

ایران در تابستان ۱۴۰۲ با چالش‌های پیش‌رو چه کند
۸ کلان‌مساله که نهادهای حاکمیتی باید به آن پاسخی واقعی
و عاقلانه بدهند تا موضوعات اجتماعی امنیتی سازی نشوند

هشتگ امنیت

۱ هنر تعامل با بدنه هنر

در جریان حوادث سال گذشته یکی از ترندهای اپوزیسیون تحت فشار قرار دادن افراد و افشا مختلف جهت اتخاذ موضع سیاسی دلخواه اپوزیسیون بود. افرادی که موضع سیاسی مخالفی با آنها داشتند با توهین و تهدید مواجه می‌شدند و افرادی هم که حتی با برخی جنبه‌های اعتراضات همراه بودند جهت اتخاذ موضع‌های رادیکال‌تر تحت فشار قرار می‌گرفتند. هنرمندان ازجمله افشاری بودند که با هدف سوءاستفاده از محبوبیت و شهرت‌شان شدیداً تحت چنین فشارهایی قرار داشتند. طبیعی است با توجه به اثرگذاری جامعه هنر معاندان نیز روی سوءاستفاده از ظرفیت آنها حساب ویژه‌ای باز کرده و هنرمندان را برای اتخاذ مواضع سیاسی غلط تحت فشار قرار دهند.
باید این نکته را نیز متذکر شد که مقصود ناپایده گرفتن هنرمندانی نیست که با خواسته و میل خود از ایران رفتند و بدترین مواضع ممکن را علیه کشور خود اتخاذ کردند، واضح است که حساب این عده اقلیت از بقیه افراد جداست. اما در برخورد با اکثریت این قشر باید حتما شرایط زمان

مسیری که از سال گذشته تاکنون طی شده شاهد مثال خوبی است برای یادآور شدن تدین وهشیاری جامعه ایران. دو عنصری که هرگونه توطئه‌ای را خنثی کرده و به شکست می‌کشانند. در طی چند دهه‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد جبهه متحد ضد ایران بارها این شکست را متحمل شده اما هر بار با درس نگرفتن از آن دوباره برای ضربه زدن به کشور تمام امکانات خود را بسیج کرده است. فراخوان‌های آشوبی که در چند وقت اخیر منتشر شده نشان می‌دهد شکست سال گذشته برای

مسیری که از سال گذشته تاکنون طی شده شاهد مثال خوبی است برای یادآور شدن تدین وهشیاری جامعه ایران. دو عنصری که هرگونه توطئه‌ای را خنثی کرده و به شکست می‌کشانند. در طی چند دهه‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد جبهه متحد ضد ایران بارها این شکست را متحمل شده اما هر بار با درس نگرفتن از آن دوباره برای ضربه زدن به کشور تمام امکانات خود را بسیج کرده است. فراخوان‌های آشوبی که در چند وقت اخیر منتشر شده نشان می‌دهد شکست سال گذشته برای

مذکور و فشارهای وارده شده را مد نظر قرار داد و نباید فراموش کرد که بسیاری از این افراد به‌واسطه حرفه خود بر حوزه فرهنگ کشور و به‌واسطه محبوبیت و شهرت خود بر حوزه‌های سیاسی و اجتماعی اثرگذارند. رهبر انقلاب نیز با چنین رویکردی مهرماه سال گذشته درحالی که هنوز چند روز بیشتر از آغاز التهابات خیابانی نگذشته بود درمورد نوع مواجهه با موضع‌گیری‌های غلط برخی ورزشکاران و هنرمندان بیان داشتند: «برخی چهره‌های ورزشی و هنری هم موضع‌گیری‌هایی کردند. به نظر بنده هیچ اهمیت ندارد. روی این نباید حساسیت به خرج داد. جامعه ورزشی ما جامعه سالمی است، جامعه هنری ما هم جامعه سالمی است. عناصر مومن، علاقمند، باشرف، در این جامعه ورزشی و هنری کم نیستند. تبلیغات و فضاسازی اپوزیسیون در پاییز سال گذشته به قدری زیاد بود که شرایط بسیار خاصی را رقم زد و بسیاری را در مسیر فهم جامعه به بی‌راهه برد و منجر به برخی موضع‌گیری‌های اشتباه شد. نکته بسیار مهم آن است که شرایط خاص ویژه سال گذشته و صحبت‌ها و مواضع هنرمندان در آن شرایط نباید معیاری برای نحوه تعامل با این قشر قرار گیرد. همان‌طور که شاهد بودیم بسیاری از هنرمندانی که ادعا کرده بودند از عرصه‌های هنری جداحافظی کرده‌اند مشغول ازسرگیری فعالیت‌های خود هستند. تعامل مناسب با هنرمندان می‌تواند بزرگ‌ترین عامل در جهت جلوگیری از تکرار بسیاری از مواضع و صحبت‌های مشابه در آینده باشد. ناگفته نماند که برخورد قانونی با اقلیت هنرمندان هنجارشکن نیز نباید تعامل با اکثریت هنرمندان را تحت الشعاع قرار دهد.

مذکور و فشارهای وارده شده را مد نظر قرار داد و نباید فراموش کرد که بسیاری از این افراد به‌واسطه حرفه خود بر حوزه فرهنگ کشور و به‌واسطه محبوبیت و شهرت خود بر حوزه‌های سیاسی و اجتماعی اثرگذارند. رهبر انقلاب نیز با چنین رویکردی مهرماه سال گذشته درحالی که هنوز چند روز بیشتر از آغاز التهابات خیابانی نگذشته بود درمورد نوع مواجهه با موضع‌گیری‌های غلط برخی ورزشکاران و هنرمندان بیان داشتند: «برخی چهره‌های ورزشی و هنری هم موضع‌گیری‌هایی کردند. به نظر بنده هیچ اهمیت ندارد. روی این نباید حساسیت به خرج داد. جامعه ورزشی ما جامعه سالمی است، جامعه هنری ما هم جامعه سالمی است. عناصر مومن، علاقمند، باشرف، در این جامعه ورزشی و هنری کم نیستند. تبلیغات و فضاسازی اپوزیسیون در پاییز سال گذشته به قدری زیاد بود که شرایط بسیار خاصی را رقم زد و بسیاری را در مسیر فهم جامعه به بی‌راهه برد و منجر به برخی موضع‌گیری‌های اشتباه شد. نکته بسیار مهم آن است که شرایط خاص ویژه سال گذشته و صحبت‌ها و مواضع هنرمندان در آن شرایط نباید معیاری برای نحوه تعامل با این قشر قرار گیرد. همان‌طور که شاهد بودیم بسیاری از هنرمندانی که ادعا کرده بودند از عرصه‌های هنری جداحافظی کرده‌اند مشغول ازسرگیری فعالیت‌های خود هستند. تعامل مناسب با هنرمندان می‌تواند بزرگ‌ترین عامل در جهت جلوگیری از تکرار بسیاری از مواضع و صحبت‌های مشابه در آینده باشد. ناگفته نماند که برخورد قانونی با اقلیت هنرمندان هنجارشکن نیز نباید تعامل با اکثریت هنرمندان را تحت الشعاع قرار دهد.

بخش قابل توجهی از اتفاقات اولیه آن که منجر به شعلور شدن آتش اغتشاشات شدند، بر بستر شکاف‌های قومی شکل گرفت. ضمن اینکه باید باتلاش حداکثری مانع‌رخ دادن اتفاقات مشابه و تحریک مجدد گسل‌های قومی شد. باید هرچه سریع‌تر برای التیام زخم‌های به‌جامانده از گذشته اقدام کرد. داغ بزرگی که هنوز بر قلب مردم سیستان و بلوچستان سنگینی می‌کند، شاید مهم‌ترین موردی باشد که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد. هیچ‌کس اتفاق تلخی که در مهر ماه سال گذشته در شهر زاهدان افتاد را فراموش نکرده است. شایسته آن بود که اسرع‌وقت با مسببان این حادثه به‌طور قاطع برخورد شود. اتفاقی که می‌توانست حداقل التیام ممکن برای خانواده‌های داغدار را باشد که هنوز در سوگ عزیزان نشسته‌اند. اما متأسفانه علی‌رغم دستور صریح رهبر انقلاب مبنی بر برخورد با مقصران و مسببان حادثه هشتم مهرماه، هنوز مردم سیستان چشم‌انظار اقدامی موثر در این رابطه هستند. باید توجه داشت که هنوز زمان زیادی از روزهایی که شاهد جنایات متعدد ووشیانه تروریست‌ها در این استان بودیم نگذشته است. تروریست‌هایی اگرچه از حمایت‌های خارجی برخوردار بودند اما با سوءاستفاده از شکاف‌های قومی ومذهبی در این استان بود که فرصت عرض‌اندام پیدا کرده بودند. سال‌ها بود که با بصیرت مردم وتلاش نیروهای امنیتی آرزش این استان پارگشته بود وپهتر آن است که با برخورد هرچه سریع‌تر با مسببان حادثه زاهدان وجلوگیری از تحریک بیشتر شکاف‌های قومی ومذهبی، بسترهای اوج‌گیری مجدد فعالیت‌های تروریستی در استان مسدود شود.

بخش قابل توجهی از اتفاقات اولیه آن که منجر به شعلور شدن آتش اغتشاشات شدند، بر بستر شکاف‌های قومی شکل گرفت. ضمن اینکه باید باتلاش حداکثری مانع‌رخ دادن اتفاقات مشابه و تحریک مجدد گسل‌های قومی شد. باید هرچه سریع‌تر برای التیام زخم‌های به‌جامانده از گذشته اقدام کرد. داغ بزرگی که هنوز بر قلب مردم سیستان و بلوچستان سنگینی می‌کند، شاید مهم‌ترین موردی باشد که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد. هیچ‌کس اتفاق تلخی که در مهر ماه سال گذشته در شهر زاهدان افتاد را فراموش نکرده است. شایسته آن بود که اسرع‌وقت با مسببان این حادثه به‌طور قاطع برخورد شود. اتفاقی که می‌توانست حداقل التیام ممکن برای خانواده‌های داغدار را باشد که هنوز در سوگ عزیزان نشسته‌اند. اما متأسفانه علی‌رغم دستور صریح رهبر انقلاب مبنی بر برخورد با مقصران و مسببان حادثه هشتم مهرماه، هنوز مردم سیستان چشم‌انظار اقدامی موثر در این رابطه هستند. باید توجه داشت که هنوز زمان زیادی از روزهایی که شاهد جنایات متعدد ووشیانه تروریست‌ها در این استان بودیم نگذشته است. تروریست‌هایی اگرچه از حمایت‌های خارجی برخوردار بودند اما با سوءاستفاده از شکاف‌های قومی ومذهبی در این استان بود که فرصت عرض‌اندام پیدا کرده بودند. سال‌ها بود که با بصیرت مردم وتلاش نیروهای امنیتی آرزش این استان پارگشته بود وپهتر آن است که با برخورد هرچه سریع‌تر با مسببان حادثه زاهدان وجلوگیری از تحریک بیشتر شکاف‌های قومی ومذهبی، بسترهای اوج‌گیری مجدد فعالیت‌های تروریستی در استان مسدود شود.

بخش قابل توجهی از اتفاقات اولیه آن که منجر به شعلور شدن آتش اغتشاشات شدند، بر بستر شکاف‌های قومی شکل گرفت. ضمن اینکه باید باتلاش حداکثری مانع‌رخ دادن اتفاقات مشابه و تحریک مجدد گسل‌های قومی شد. باید هرچه سریع‌تر برای التیام زخم‌های به‌جامانده از گذشته اقدام کرد. داغ بزرگی که هنوز بر قلب مردم سیستان و بلوچستان سنگینی می‌کند، شاید مهم‌ترین موردی باشد که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد. هیچ‌کس اتفاق تلخی که در مهر ماه سال گذشته در شهر زاهدان افتاد را فراموش نکرده است. شایسته آن بود که اسرع‌وقت با مسببان این حادثه به‌طور قاطع برخورد شود. اتفاقی که می‌توانست حداقل التیام ممکن برای خانواده‌های داغدار را باشد که هنوز در سوگ عزیزان نشسته‌اند. اما متأسفانه علی‌رغم دستور صریح رهبر انقلاب مبنی بر برخورد با مقصران و مسببان حادثه هشتم مهرماه، هنوز مردم سیستان چشم‌انظار اقدامی موثر در این رابطه هستند. باید توجه داشت که هنوز زمان زیادی از روزهایی که شاهد جنایات متعدد ووشیانه تروریست‌ها در این استان بودیم نگذشته است. تروریست‌هایی اگرچه از حمایت‌های خارجی برخوردار بودند اما با سوءاستفاده از شکاف‌های قومی ومذهبی در این استان بود که فرصت عرض‌اندام پیدا کرده بودند. سال‌ها بود که با بصیرت مردم وتلاش نیروهای امنیتی آرزش این استان پارگشته بود وپهتر آن است که با برخورد هرچه سریع‌تر با مسببان حادثه زاهدان وجلوگیری از تحریک بیشتر شکاف‌های قومی ومذهبی، بسترهای اوج‌گیری مجدد فعالیت‌های تروریستی در استان مسدود شود.

مشارکت برای برگزاری انتخابات خوب را دنبال کنند. تأکید بر این امر نشان می‌دهد نوع مواجهه مسئولان با انتخابات پیش‌رومی‌تواند در افزایش میزان مشارکت موثر واقع شود. بی‌پاسخ ماندن سوالات وشبهات افکار عمومی در جریان احراز صلاحیت کاندیداها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، تأثیر منفی بر ایجاد امید در جامعه‌نسبت به مشارکت در انتخابات به‌همراه داشت. حالا در آستانه نزدیک شدن به انتخابات مجلس برای ایجاد شور ونشاط در جهت افزایش مشارکت عمومی لازم است فضا و امکانی برای حضور گروه‌های سیاسی فراهم شود تا ضمن ایجاد فضای رقابتی، اقبال بیشتری نسبت به مشارکت در این انتخابات اتفاق بیفتد. جریان ضدانقلاب که در روزهای آتارامی به دنبال تشدید جو منفی موجود در جامعه بود، با نزدیک شدن به موعد انتخابات به دنبال ایجاد فضای یاس و ناامیدی برای کاهش مشارکت عمومی است. موضوعی که رهبری نیز در سخنرانی خود در حرم امام خمینی (ره) آن را مورد تأکید قرار دادند: یکی از شیوه‌های دشمن، بدبین کردن مردم به انتخابات است. آنها از همین حالا توطئه‌نهای خود را به‌سمت انتخابات، روشن کرده‌اند. «سیاست ناامیدسازی مردم به انتخابات و آسیبی که اتفاقات انتخابات ۱۴۰۰ به اعتماد عمومی وارد کرد، لزوم پیگیری راهبرد مشارکت و رقابت در انتخابات پیش‌روبرای ایجاد شور ونشاط انتخاباتی در جهت گسترش مشارکت وجلوگیری از ایجاد ناامیدی در میان افکار عمومی را چند برابر کرده است.

مشارکت برای برگزاری انتخابات خوب را دنبال کنند. تأکید بر این امر نشان می‌دهد نوع مواجهه مسئولان با انتخابات پیش‌رومی‌تواند در افزایش میزان مشارکت موثر واقع شود. بی‌پاسخ ماندن سوالات وشبهات افکار عمومی در جریان احراز صلاحیت کاندیداها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، تأثیر منفی بر ایجاد امید در جامعه‌نسبت به مشارکت در انتخابات به‌همراه داشت. حالا در آستانه نزدیک شدن به انتخابات مجلس برای ایجاد شور ونشاط در جهت افزایش مشارکت عمومی لازم است فضا و امکانی برای حضور گروه‌های سیاسی فراهم شود تا ضمن ایجاد فضای رقابتی، اقبال بیشتری نسبت به مشارکت در این انتخابات اتفاق بیفتد. جریان ضدانقلاب که در روزهای آتارامی به دنبال تشدید جو منفی موجود در جامعه بود، با نزدیک شدن به موعد انتخابات به دنبال ایجاد فضای یاس و ناامیدی برای کاهش مشارکت عمومی است. موضوعی که رهبری نیز در سخنرانی خود در حرم امام خمینی (ره) آن را مورد تأکید قرار دادند: یکی از شیوه‌های دشمن، بدبین کردن مردم به انتخابات است. آنها از همین حالا توطئه‌نهای خود را به‌سمت انتخابات، روشن کرده‌اند. «سیاست ناامیدسازی مردم به انتخابات و آسیبی که اتفاقات انتخابات ۱۴۰۰ به اعتماد عمومی وارد کرد، لزوم پیگیری راهبرد مشارکت و رقابت در انتخابات پیش‌روبرای ایجاد شور ونشاط انتخاباتی در جهت گسترش مشارکت وجلوگیری از ایجاد ناامیدی در میان افکار عمومی را چند برابر کرده است.

قانع کرد، اما ادامه آن بعد از آرام شدن شرایط امری توجیه‌ناپذیر بود که دلایل روشنی نیز برای آن ذکر نشد. چنین مواجعه‌ای طبعاً موح ناراضیتی شکل گرفته نسبت به وضعیت اینترنت را به دوران پساآشوب نیز تعمیم داد. این ناراضیتی زمانی شدیدتر می‌شود که احساس کنند اعتراض‌شان نه‌تنها شنیده نمی‌شود بلکه با پاسخ‌های غیرمنطقی مواجه می‌شود. وزیر ارتباطات یکی از اشخاصی است که همواره سعی داشته یا از پاسخ دادن به موضوع طفره رفته و از خود سلب مسئولیت کند یا اگر هم پاسخی داده جز دامن زدن به ناراضیتی آورده‌ای نداشته است. زارعیور در پاسخ به کنندی اینترنت با استناد به آمار سایت اسپیدتست معتقد بود سرعت اینترنت افزایش نیز پیدا کرده است و اظهار می‌داشت، علت کنندی‌ها به‌خاطر استفاده فیلتر شکن است. در این میان اما آنچه مردم احساس می‌کردند، با اظهارات وزیر تطبیق نداشت. زارعیور که تا پیش از این معتقد بود سرعت اینترنت افزایش پیدا کرده روز ۱۴ تیرماه اسما، کنندی اینترنت را گردن مخابرات انداخت و گفت، مقصر کنندی اینترنت شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، ازجمله شرکت مخابرات ایران است که سال‌ها وظایف خود را بدرستی انجام نداده و شبکه اشباع شده است. فارغ از بحث‌های کارشناسی که در این امر مطرح می‌شود، آنچه در این برهه ضروری به‌نظر می‌رسد، تلاش در جهت بهبود زیرساخت‌های اینترنتی کشور و تصمیم‌گیری درست و منطقی درباره اعمال محدودیت‌هاست.

سیاست

برخورد معاندان با دیوار واقعیت جامعه ایرانی کافی نبوده و آنها ترجیح می‌دهند برای تکرار این شکست مجدداً دست به ماجراجویی بزنند. این تلاش‌ها باعث می‌شود نهادهای امنیتی داخلی با هشیاری عمل کرده تا این ماجراجویی‌ها نتواند کمترین هزینه‌ای را به مردم ایران تحمیل کند. آنچه‌ا معاندان را برای تکرار ماجراجویی به طمع می‌اندازد وجود برخی زخم‌ها و کزکاز کردی‌ها در ساختارهای داخلی است و باید به دست‌اندرکاران تأمین امنیت کشور توصیه کرد که در کنار اقدامات سلبی و تقابلی با طراحی دشمن ایده‌های ایجابی برای حل مشکلات داخلی را نیز در دستورکار قرار داده و بسترهای سوءاستفاده دشمنان را ببندند. چنین رویکردی با تقویت سرمایه اجتماعی منتهی‌الورود خرابکاران را مسدود کرده

برخورد معاندان با دیوار واقعیت جامعه ایرانی کافی نبوده و آنها ترجیح می‌دهند برای تکرار این شکست مجدداً دست به ماجراجویی بزنند. این تلاش‌ها باعث می‌شود نهادهای امنیتی داخلی با هشیاری عمل کرده تا این ماجراجویی‌ها نتواند کمترین هزینه‌ای را به مردم ایران تحمیل کند. آنچه‌ا معاندان را برای تکرار ماجراجویی به طمع می‌اندازد وجود برخی زخم‌ها و کزکاز کردی‌ها در ساختارهای داخلی است و باید به دست‌اندرکاران تأمین امنیت کشور توصیه کرد که در کنار اقدامات سلبی و تقابلی با طراحی دشمن ایده‌های ایجابی برای حل مشکلات داخلی را نیز در دستورکار قرار داده و بسترهای سوءاستفاده دشمنان را ببندند. چنین رویکردی با تقویت سرمایه اجتماعی منتهی‌الورود خرابکاران را مسدود کرده

۲ تقویت حداکثری نشاط ملی با ورزش حرفه‌ای

تیم‌های ملی در رشته‌های مختلف ورزشی همیشه از باززترین مظاهر یکپارچگی و یکدلی مردم بوده‌اند. بارها و بارها رویدادهای مختلف ورزشی همه اقشار مردم ایران را فارغ از هرگونه اختلاف نظر در سلائق سیاسی و فرهنگی و مذهبی و… کنار هم قرار داده‌اند. اگر شکستی رخ می‌داد همه با هم اشک می‌ریختیم و اگر افتخاری برای ایران کسب می‌شد لیخند شادی بر صورت همه ما می‌نشست. در شادی‌های دسته‌جمعی نیز برخلاف خیلی از اوقات دیگر برلمان مهم نبود کسی که در کنارمان ایستاده است دارای چه عقاید و علائق سیاسی و دینی است. اگر از معدود جشن‌ها و با رنگ‌بویی سیاسی در سال‌های گذشته بگذریم، کدام ظرفیت را سراغ داریم که بتواند به‌صورت خودجوش عامل جشن‌های خیابانی بزرگ مردم در همه شهرها و روستاهای این مرزوبوم شود! اقتدرت گسترده‌ی جشن‌هایی که به این بهانه در سال‌های اخیر تجربه کرده‌ایم به حدی بوده است که حتی شرایط اقتصادی سخت مردم نیز نمی‌توانست مانع

تیم‌های ملی در رشته‌های مختلف ورزشی همیشه از باززترین مظاهر یکپارچگی و یکدلی مردم بوده‌اند. بارها و بارها رویدادهای مختلف ورزشی همه اقشار مردم ایران را فارغ از هرگونه اختلاف نظر در سلائق سیاسی و فرهنگی و مذهبی و… کنار هم قرار داده‌اند. اگر شکستی رخ می‌داد همه با هم اشک می‌ریختیم و اگر افتخاری برای ایران کسب می‌شد لیخند شادی بر صورت همه ما می‌نشست. در شادی‌های دسته‌جمعی نیز برخلاف خیلی از اوقات دیگر برلمان مهم نبود کسی که در کنارمان ایستاده است دارای چه عقاید و علائق سیاسی و دینی است. اگر از معدود جشن‌ها و با رنگ‌بویی سیاسی در سال‌های گذشته بگذریم، کدام ظرفیت را سراغ داریم که بتواند به‌صورت خودجوش عامل جشن‌های خیابانی بزرگ مردم در همه شهرها و روستاهای این مرزوبوم شود! اقتدرت گسترده‌ی جشن‌هایی که به این بهانه در سال‌های اخیر تجربه کرده‌ایم به حدی بوده است که حتی شرایط اقتصادی سخت مردم نیز نمی‌توانست مانع

۴ تجدیدنظر در سیاست‌های حمایتی از طبقات پایین

در سال‌های اخیر و با بالا رفتن میزان نرخ تورم، قدرت خرید مردم نیز کاهش پیدا کرده وطبیعی است که گرانی‌ها و تورم‌های چندسال اخیر، آسیب قابل توجهی به طبقات اقتصادی جامعه وارده کرده، اما در این میان بیشترین آسیب متوجه سه دهک اول درآمدی بوده است. با توجه به اینکه فشارهای اقتصادی بعد از اعمال سیاست‌های حذف ارز ترجیحی افزایش پیدا کرد، نیاز است توجه جدی‌تری به اقشار کمتر برخوردار جامعه داشت و در اعمال سیاست‌های حمایتی از این طبقه تجدیدنظر جدی کرد. ابتدایی‌ترین سیاستی که می‌توان برای حمایت از این دهک مورد توجه قرار داد، اختصاص یارانه نقدی است. میزان فعلی یارانه نقدی برای اقشار کم‌درآمد ۳۰۰ هزار تومان تعیین شده است. این مبلغ با توجه به افزایش قیمت کالاهای اساسی بعد از اعمال سیاست‌های حذف ارز کافی به‌نظر نمی‌رسد و نیاز است تا در اختصاص یارانه نقدی به سه

در سال‌های اخیر و با بالا رفتن میزان نرخ تورم، قدرت خرید مردم نیز کاهش پیدا کرده وطبیعی است که گرانی‌ها و تورم‌های چندسال اخیر، آسیب قابل توجهی به طبقات اقتصادی جامعه وارده کرده، اما در این میان بیشترین آسیب متوجه سه دهک اول درآمدی بوده است. با توجه به اینکه فشارهای اقتصادی بعد از اعمال سیاست‌های حذف ارز ترجیحی افزایش پیدا کرد، نیاز است توجه جدی‌تری به اقشار کمتر برخوردار جامعه داشت و در اعمال سیاست‌های حمایتی از این طبقه تجدیدنظر جدی کرد. ابتدایی‌ترین سیاستی که می‌توان برای حمایت از این دهک مورد توجه قرار داد، اختصاص یارانه نقدی است. میزان فعلی یارانه نقدی برای اقشار کم‌درآمد ۳۰۰ هزار تومان تعیین شده است. این مبلغ با توجه به افزایش قیمت کالاهای اساسی بعد از اعمال سیاست‌های حذف ارز کافی به‌نظر نمی‌رسد و نیاز است تا در اختصاص یارانه نقدی به سه

۶ مقابله با اقلیت هنجارشکن یا تحریک گسل‌های اجتماعی؟

تبدیل شدن مساله پوشش به محور نزاع خیابانی در اتفاقات ۱۴۰۱ نشان داد جریان معاند حساب ویژه‌ای بر اختلاف‌نظرها روی یک مساله اجتماعی باز کرده وتلاش دارد از این تفاوت نگاه، دوقطبی مخرب بسازد. یکی از روش‌های فعال سازی این دوقطبی به کارگیری سازماندهی شده‌عناصری در داخل کشوربرای هنجارشکنی وتبدیل بدبپوشی به‌نماد اعتراض سیاسی بود. طبعاً زمانی که هنجارشکنی کارکردی امنیتی‌پیدامی‌کند، برخورد امنیتی با آن نیز اجتناب‌ناپذیر است. این‌کنش سازماندهی شده به‌مرور موجی را ایجاد کرده و گروهی از مردم عادی را نیز در بر گرفت. در چنین شرایطی شیوه صحیح برخورد این است که نهادهای برقرارکننده نظم عمومی با تفکیک قائل شدن بین هنجارشکنی سازماندهی شده و غیرسازماندهی شده به‌سراع ریشه‌یابی مساله رفته و علت شکل‌گیری وضعیت کنونی را در اتاق فکرهای پشت پرده جست‌وجو کنند. نپرداختن به علت‌های

تبدیل شدن مساله پوشش به محور نزاع خیابانی در اتفاقات ۱۴۰۱ نشان داد جریان معاند حساب ویژه‌ای بر اختلاف‌نظرها روی یک مساله اجتماعی باز کرده وتلاش دارد از این تفاوت نگاه، دوقطبی مخرب بسازد. یکی از روش‌های فعال سازی این دوقطبی به کارگیری سازماندهی شده‌عناصری در داخل کشوربرای هنجارشکنی وتبدیل بدبپوشی به‌نماد اعتراض سیاسی بود. طبعاً زمانی که هنجارشکنی کارکردی امنیتی‌پیدامی‌کند، برخورد امنیتی با آن نیز اجتناب‌ناپذیر است. این‌کنش سازماندهی شده به‌مرور موجی را ایجاد کرده و گروهی از مردم عادی را نیز در بر گرفت. در چنین شرایطی شیوه صحیح برخورد این است که نهادهای برقرارکننده نظم عمومی با تفکیک قائل شدن بین هنجارشکنی سازماندهی شده و غیرسازماندهی شده به‌سراع ریشه‌یابی مساله رفته و علت شکل‌گیری وضعیت کنونی را در اتاق فکرهای پشت پرده جست‌وجو کنند. نپرداختن به علت‌های

تبدیل شدن مساله پوشش به محور نزاع خیابانی در اتفاقات ۱۴۰۱ نشان داد جریان معاند حساب ویژه‌ای بر اختلاف‌نظرها روی یک مساله اجتماعی باز کرده وتلاش دارد از این تفاوت نگاه، دوقطبی مخرب بسازد. یکی از روش‌های فعال سازی این دوقطبی به کارگیری سازماندهی شده‌عناصری در داخل کشوربرای هنجارشکنی وتبدیل بدبپوشی به‌نماد اعتراض سیاسی بود. طبعاً زمانی که هنجارشکنی کارکردی امنیتی‌پیدامی‌کند، برخورد امنیتی با آن نیز اجتناب‌ناپذیر است. این‌کنش سازماندهی شده به‌مرور موجی را ایجاد کرده و گروهی از مردم عادی را نیز در بر گرفت. در چنین شرایطی شیوه صحیح برخورد این است که نهادهای برقرارکننده نظم عمومی با تفکیک قائل شدن بین هنجارشکنی سازماندهی شده و غیرسازماندهی شده به‌سراع ریشه‌یابی مساله رفته و علت شکل‌گیری وضعیت کنونی را در اتاق فکرهای پشت پرده جست‌وجو کنند. نپرداختن به علت‌های

تبدیل شدن مساله پوشش به محور نزاع خیابانی در اتفاقات ۱۴۰۱ نشان داد جریان معاند حساب ویژه‌ای بر اختلاف‌نظرها روی یک مساله اجتماعی باز کرده وتلاش دارد از این تفاوت نگاه، دوقطبی مخرب بسازد. یکی از روش‌های فعال سازی این دوقطبی به کارگیری سازماندهی شده‌عناصری در داخل کشوربرای هنجارشکنی وتبدیل بدبپوشی به‌نماد اعتراض سیاسی بود. طبعاً زمانی که هنجارشکنی کارکردی امنیتی‌پیدامی‌کند، برخورد امنیتی با آن نیز اجتناب‌ناپذیر است. این‌کنش سازماندهی شده به‌مرور موجی را ایجاد کرده و گروهی از مردم عادی را نیز در بر گرفت. در چنین شرایطی شیوه صحیح برخورد این است که نهادهای برقرارکننده نظم عمومی با تفکیک قائل شدن بین هنجارشکنی سازماندهی شده و غیرسازماندهی شده به‌سراع ریشه‌یابی مساله رفته و علت شکل‌گیری وضعیت کنونی را در اتاق فکرهای پشت پرده جست‌وجو کنند. نپرداختن به علت‌های

تمام اقدامات سلبی و ایجابی که باهدف حذف‌خطرات امنیتی در دستور کار قرار می‌گیرد زمانی می‌تواند اثر اجتماعی مطلوبی داشته‌باشد که برای مخاطبان به‌خوبی روایت شود. چنانچه دستگاه‌بپارسانه‌یازدهی خوبی نداشته‌باشد اقدامات عملیاتی نیز کم‌اثر خواهد شد. با درک این موضوع می‌توان ارزیابی دقیق‌تری از چرایی اهمیت مرجعیت بخشی به رسانه‌ملی به دست آورد. رسانه ملی به‌دلیل دراختیار داشتن امکانات مهم‌ترین بازوی رسانه‌ای نهادهای حاکمیتی به‌لحاظ دربرگیری مخاطب محسوب می‌شود؛ چرا که قدرت نفوذ آن به دوردست‌ترین روستاها نیز می‌رسد. اگر این تریبون مرجعیت خود را از دست بدهد باعث می‌شود تا اولاً نتواند صدای خود را به گوش مخاطب برساند و ثانیاً اگر در مواردی نیز اهمیت اتفاقات منجر به رسیدن صدای رسانه ملی به مخاطبان شود عدم اعتماد عمومی به این نهاد باعث می‌شود تا روایت اصلی ماجرا توسط افکار عمومی به‌خوبی درک نشود. به‌طور

و کشور را در برابر برداخت هزینه‌های مادی ومعنوی غیرضرور و اسکینه می‌کند. این سرمایه اجتماعی در سال جاری که منتهی به انتخابات مجلس است می‌تواند منجر به مشارکتی حداکثری شده و تصویری مقتدر از حکمرانی به دنیا مخابره کند. تصویری که امیدمی‌رود نگاه‌اپوزیسیون وحامیان آنها نسبت به جامعه ایران را واقعی‌تر کرده و آنها را از هزینه‌تراشی بیپهوده برای خود و دیگران بر حذر دارد. در ادامه با پرداختن به ۸ کلان‌مساله که نهادهای حاکمیتی باید به آن پاسخی واقعی وعاقلانه بدهند، تلاش داشته‌ایم پیشنهاداتی را خطاب به علی‌اکبر احمدیان، دبیر شورای عالی امنیت ملی ارائه دهیم. پیشنهادهایی که پرداختن به آن در این شورای می‌تواند مانع از امنیتی سازی موضوعات اجتماعی شود.

و کشور را در برابر برداخت هزینه‌های مادی ومعنوی غیرضرور و اسکینه می‌کند. این سرمایه اجتماعی در سال جاری که منتهی به انتخابات مجلس است می‌تواند منجر به مشارکتی حداکثری شده و تصویری مقتدر از حکمرانی به دنیا مخابره کند. تصویری که امیدمی‌رود نگاه‌اپوزیسیون وحامیان آنها نسبت به جامعه ایران را واقعی‌تر کرده و آنها را از هزینه‌تراشی بیپهوده برای خود و دیگران بر حذر دارد. در ادامه با پرداختن به ۸ کلان‌مساله که نهادهای حاکمیتی باید به آن پاسخی واقعی وعاقلانه بدهند، تلاش داشته‌ایم پیشنهاداتی را خطاب به علی‌اکبر احمدیان، دبیر شورای عالی امنیت ملی ارائه دهیم. پیشنهادهایی که پرداختن به آن در این شورای می‌تواند مانع از امنیتی سازی موضوعات اجتماعی شود.

از شکل‌گیری چنین شادی‌های گسترده‌ای شود. حتی در سال گذشته و بحیوحه حوادث پاییز علی‌رغم تلاش‌های بسیار گسترده اپوزیسیون در راستای عدم حمایت مردم از تیم ملی فوتبال، باز هم جام‌جهانی از معدود دستاویزهای مردم جهت همدلی وشادی در روزهایی بود که کام همه از شکاف‌های بین مردم تلخ شده بود. عده‌ای هم بودند که سعی داشتند به هر بهانه‌ای از جمله حمایت از رقبای تیم ملی مانع همزیستی مسالمت‌آمیز مردم با یکدیگر شوند. با این وجود به نظر می‌رسد امروز به ظرفیت‌های گسترده این حوزه و نقش بسیار مهمی که می‌تواند در راستای افزایش نشاط اجتماعی وتقویت همدلی ملی ایفا کند آن‌طور که باید وشاید توجه نمی‌شود. تا پایان تابستان ۱۴۰۳ سه رویداد ورزشی مهم پیش‌روی ما قرار دارد. در همراه آینده بازی‌های آسیایی هانگ‌کونگ با یک سال تأخیر برگزار می‌شود، زمستان امسال تیم ملی فوتبال باید در جام ملت‌های آسیا به میدان برود و در نهایت تابستان آینده المپیک پاریس را پیش‌رو خواهیم داشت. تمام این رویداد‌ها فرصت بی‌ظنیری هستند تا موفقیت‌های ورزشکاران ایرانی به بزرگ‌ترین عرصه بروز همدلی ملت وشادی همگانی بدل شود. رخ دادن چنین اتفاقی نیازمند آن است که از اندک فرصت‌های باقی‌مانده برای رویدادهای مذکور به‌درستی استفاده شود و مسئولان مرتبط با درک اثر بسیار مثبتی که این عرصه می‌تواند بر شرایط اجتماعی موجود داشته باشد از هیچ تلاش و حمایتی برای کسب موفقیت حداکثری در این رویداد‌ها دریغ نکنند.

از شکل‌گیری چنین شادی‌های گسترده‌ای شود. حتی در سال گذشته و بحیوحه حوادث پاییز علی‌رغم تلاش‌های بسیار گسترده اپوزیسیون در راستای عدم حمایت مردم از تیم ملی فوتبال، باز هم جام‌جهانی از معدود دستاویزهای مردم جهت همدلی وشادی در روزهایی بود که کام همه از شکاف‌های بین مردم تلخ شده بود. عده‌ای هم بودند که سعی داشتند به هر بهانه‌ای از جمله حمایت از رقبای تیم ملی مانع همزیستی مسالمت‌آمیز مردم با یکدیگر شوند. با این وجود به نظر می‌رسد امروز به ظرفیت‌های گسترده این حوزه و نقش بسیار مهمی که می‌تواند در راستای افزایش نشاط اجتماعی وتقویت همدلی ملی ایفا کند آن‌طور که باید وشاید توجه نمی‌شود. تا پایان تابستان ۱۴۰۳ سه رویداد ورزشی مهم پیش‌روی ما قرار دارد. در همراه آینده بازی‌های آسیایی هانگ‌کونگ با یک سال تأخیر برگزار می‌شود، زمستان امسال تیم ملی فوتبال باید در جام ملت‌های آسیا به میدان برود و در نهایت تابستان آینده المپیک پاریس را پیش‌رو خواهیم داشت. تمام این رویداد‌ها فرصت بی‌ظنیری هستند تا موفقیت‌های ورزشکاران ایرانی به بزرگ‌ترین عرصه بروز همدلی ملت وشادی همگانی بدل شود. رخ دادن چنین اتفاقی نیازمند آن است که از اندک فرصت‌های باقی‌مانده برای رویدادهای مذکور به‌درستی استفاده شود و مسئولان مرتبط با درک اثر بسیار مثبتی که این عرصه می‌تواند بر شرایط اجتماعی موجود داشته باشد از هیچ تلاش و حمایتی برای کسب موفقیت حداکثری در این رویداد‌ها دریغ نکنند.

دهک درآمدی، تغییراتی اعمال شود. طرح کالابگ الکترونیک را می‌توان اقدام مثبتی در جهت حمایت از اقشار کم‌برخوردار دانست که با هدف حمایت از معیشت خانوارها به تصویب مجلس رسید و قرار بود بعد از اصلاح ارز ترجیحی اجرایی شود، مزیت اصلی این طرح این است که با افزایش و تغییر قیمت در کالاها، سهم پرداختی مردم افزایش پیدا نمی‌کند و افزایش قیمت متوجه دولت خواهد بود. حال اما با گذشت یک سال از اصلاح سیاست‌های حذف ارز ترجیحی هنوز به‌طور جدی و درست اجرایی نشده ولازم است، اجرای آن با جدیت بیشتری دنبال شود. مسکن یکی دیگر از مهم‌ترین کالاهای اساسی است که گرانی وتورم صعودی آن را تبدیل به کالای سرمایه‌ای کرده و باعث شده خرید مسکن در ذهن مردم آرزویی دست‌نیافتنی تلقی شود. متوسط رشد قیمت مسکن درسال گذشته ۶۶ درصد بوده و اجاره‌بهای مسکن نیز در سال گذشته بارشد ۵۰ درصدی همراه بوده است. برای کم کردن اثرات ناشی از افزایش صعودی اجاره‌بها البته سیاست‌هایی اعمال شده و تعیین سقف ۲۵ درصدی برای افزایش اجاره‌بها ازجمله این موارد است، اما میزان افزایش اجاره‌بها نشان می‌دهد اعمال این سیاست تا سال ۱۹۹۰، کمتر از افزایش آن به‌همراه نداشته ولازم است سیاست‌های موثرتری برای کم کردن فشار معیشتی ناشی از افزایش قیمت مسکن به‌خصوص درمورد اقشار کم‌برخوردار اعمال شود.

دهک درآمدی، تغییراتی اعمال شود. طرح کالابگ الکترونیک را می‌توان اقدام مثبتی در جهت حمایت از اقشار کم‌برخوردار دانست که با هدف حمایت از معیشت خانوارها به تصویب مجلس رسید و قرار بود بعد از اصلاح ارز ترجیحی اجرایی شود، مزیت اصلی این طرح این است که با افزایش و تغییر قیمت در کالاها، سهم پرداختی مردم افزایش پیدا نمی‌کند و افزایش قیمت متوجه دولت خواهد بود. حال اما با گذشت یک سال از اصلاح سیاست‌های حذف ارز ترجیحی هنوز به‌طور جدی و درست اجرایی نشده ولازم است، اجرای آن با جدیت بیشتری دنبال شود. مسکن یکی دیگر از مهم‌ترین کالاهای اساسی است که گرانی وتورم صعودی آن را تبدیل به کالای سرمایه‌ای کرده و باعث شده خرید مسکن در ذهن مردم آرزویی دست‌نیافتنی تلقی شود. متوسط رشد قیمت مسکن درسال گذشته ۶۶ درصد بوده و اجاره‌بهای مسکن نیز در سال گذشته بارشد ۵۰ درصدی همراه بوده است. برای کم کردن اثرات ناشی از افزایش صعودی اجاره‌بها البته سیاست‌هایی اعمال شده و تعیین سقف ۲۵ درصدی برای افزایش اجاره‌بها ازجمله این موارد است، اما میزان افزایش اجاره‌بها نشان می‌دهد اعمال این سیاست تا سال ۱۹۹۰، کمتر از افزایش آن به‌همراه نداشته ولازم است سیاست‌های موثرتری برای کم کردن فشار معیشتی ناشی از افزایش قیمت مسکن به‌خصوص درمورد اقشار کم‌برخوردار اعمال شود.

اصلی و برخورد گسترده در کف خیابان با کسانی که پوشش مناسب ندارند، نهادهای حامی قانون‌رادر تقابل با مردم قرار داده وقضای اجتماعی را به سمتی سوق می‌دهد که نسبت به لزوم برخورد با موارد حد‌هنجار شکنی نیز به سختی اقناع شود. استفاده از ون برای مقابله با بدحجابی چندپایمانمادین دارد. ورود ون به مساله پوشش باعث ایجاد این تلقی در اذهان عمومی می‌شود که نهادهای تنظیم‌گر بخش انبوهی از جمعیت کشور رایه‌احکام شرعی پایبند نمی‌دانند، حال آنکه برخی از آمارها از اعتقاد بیش از ۸۰ درصد بانوان به حجاب خبر می‌دهند. رهبر انقلاب نیز در همین راستا در جمع بانوان با تأکید بر اینکه نباید کسانی را که حجاب کامل ندارند، به‌دینی وضدانقلابی بودن متهم کرد فرمودند: «ضعف حجاب، کار درستی نیست اما موجب نمی‌شود آن فرد را از دایره دین و انقلاب خارج بدانیم.» ورود مطلقاً امنیتی به مساله پوشش همچنین این پیام را منتقل می‌کند که اکنون تمام دیدگاه‌ها در این رابطه شنیده شده و راهی جز آنچه انجام می‌شود وجود ندارد. چنین نگرشی با بستن باب گفت‌وگو، دوقطبی مخربی ایجاد می‌کند که حاصلی جز تشدید شکاف اجتماعی دربی نداشته و صرفاً به گسترش هنجارشکنی دامن می‌زند. مهم‌ترین نکته‌ای که در این باره باید موردتأشاره قرار گیرد این است که اتفاقات سال گذشته در اذهان عمومی به‌تصویر ون‌های گشت ارشاد گرہ خورده واستفاده مجدد از این شیوه کنترلی تاغری سیاست‌های شکست‌خورده گذشته است.

اصلی و برخورد گسترده در کف خیابان با کسانی که پوشش مناسب ندارند، نهادهای حامی قانون‌رادر تقابل با مردم قرار داده وقضای اجتماعی را به سمتی سوق می‌دهد که نسبت به لزوم برخورد با موارد حد‌هنجار شکنی نیز به سختی اقناع شود. استفاده از ون برای مقابله با بدحجابی چندپایمانمادین دارد. ورود ون به مساله پوشش باعث ایجاد این تلقی در اذهان عمومی می‌شود که نهادهای تنظیم‌گر بخش انبوهی از جمعیت کشور رایه‌احکام شرعی پایبند نمی‌دانند، حال آنکه برخی از آمارها از اعتقاد بیش از ۸۰ درصد بانوان به حجاب خبر می‌دهند. رهبر انقلاب نیز در همین راستا در جمع بانوان با تأکید بر اینکه نباید کسانی را که حجاب کامل ندارند، به‌دینی وضدانقلابی بودن متهم کرد فرمودند: «ضعف حجاب، کار درستی نیست اما موجب نمی‌شود آن فرد را از دایره دین و انقلاب خارج بدانیم.» ورود مطلقاً امنیتی به مساله پوشش همچنین این پیام را منتقل می‌کند که اکنون تمام دیدگاه‌ها در این رابطه شنیده شده و راهی جز آنچه انجام می‌شود وجود ندارد. چنین نگرشی با بستن باب گفت‌وگو، دوقطبی مخربی ایجاد می‌کند که حاصلی جز تشدید شکاف اجتماعی دربی نداشته و صرفاً به گسترش هنجارشکنی دامن می‌زند. مهم‌ترین نکته‌ای که در این باره باید موردتأشاره قرار گیرد این است که اتفاقات سال گذشته در اذهان عمومی به‌تصویر ون‌های گشت ارشاد گرہ خورده واستفاده مجدد از این شیوه کنترلی تاغری سیاست‌های شکست‌خورده گذشته است.

مثال یکی از مهم‌ترین اتفاقات یک سال اخیر هجوم پلیس آلبانی به مقر تروریست‌های منافقین بود. جنایات این گروه‌ک‌علیه مردم ایران به‌تنهایی دلیل کافی برای درک اهمیت موضوع است، اما این اهمیت زمانی بیشتر می‌شود که به‌خاطر بیارویم گروه‌ک منافقین یکی از مهم‌ترین بازوی‌های اپوزیسیون در وقایع اخیر بوده وتمام تلاش خود را در جنگ رسانه‌ای علیه مردم ایران به کار گرفته بود. نهایتاً پلیس آلبانی که چندماه‌ی است روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرده است بعد از شکست پروژه آشوب به باتوق منافقین هجوم برده و آنها را تهدید به اخراج می‌کند تا نشان دهد نسبت به موفقیت وقدرت ایران درک جامعی پیدا کرده است.

با وجود اهمیت اتفاق رخ‌داده شاهدیم دلایل و پیام‌های آن به‌خوبی به فضای افکار عمومی منتقل نشده است. در سوی مقابل اما جریان معاند تمام سعی خود را با کار گرفته تا مرجعیت رسانه‌ای را از ایران خارج کرده و بازنشر حداکثری اخبار جعلی برای خود فضاسازی کند. فضاسازی از که از التهابات خیابانی روایت جنگ شهری ساخته و درمورد آژانس‌سازی شهرهای ایران از دست حاکمیت قصه می‌ساخت. با توجه به این موارد باید گفت احیای مرجعیت رسانه‌ای امری لازم است که تحقق آن برنامه‌ریزی واقدام سریع ودقیق می‌طلبد در غیر این صورت از اقدامات سلبی و ایجابی مثبتی که در پیش گرفته می‌شود نباید توقع رقم‌زدن معجزه‌ای در جهت افزایش سرمایه اجتماعی داشت.